

تحقیقی پیرامون علل تورّم دانش آموزان در رشته اقتصاد اجتماعی

تهیه و تنظیم: محمد شعبانی

احمد عاملیان

معرفی مقاله

تقویت روح تنبّح و پرورشی یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش است، و «فصلنامه تعلیم و تربیت» نیز در تحقق این هدف می‌کوشد. مقاله‌ای که اکنون به نظر خوانندگان می‌رسد، تحقیقی است در علل تورّم دانش آموزان رشته اقتصاد اجتماعی که از طریق آزمون و تحلیل نتایج آن صورت گرفته است. تحقیق توسط دو تن از دبیران علاقه‌مند و پژوهشگر، برادران محمد شعبانی و احمد عاملیان، در اصطهان انجام شده و حاصل کوشش خود جوش است. در صورت نظر از نارساییهایی که احیاناً در آن نه چشم می‌خورد، خلوصی نتایج ارزنده‌ای است. در این مقاله که خلاصه آن تحقیق است، پس از ذکر مقدمه‌ای دربارۀ ضرورت توجه به مسئله مورد پرورشی، موضوع تحقیق، پیشفرضها، روش تحقیق، و سوانع و مشکلات آن آمده است. پس از آن سوالات پرسشنامه و تحلیل داده‌های آن مورد بحث قرار گرفته و سرانجام نتیجه‌گیری شده است.

توفیق این برادران را در انجام تحقیقات بیشتر و خدمت به آموزش و پرورش جامعه اسلامی خواستاریم.

فصلنامه

مقدمه:

در جهان امروز، ادارهٔ جوامع و برنامه‌ریزی برای توسعهٔ آنها، و فعالیتهای سیاسی، اقتصادی، صنعتی، فرهنگی و... همگی متکی و نیازمند به تحقیقات اجتماعی هستند. صرف منابع مالی و بودجه در راه تحقیقات علمی اتلاف منابع نیست، بلکه تحقیقات و پژوهشهای

علمی در بالا بردن فرهنگ، برنامه‌ریزی، و گسترش تکنولوژی و دست‌یابی به خودکفایی ضروری است.

در حال حاضر در ایران اکثر کسانی که در زمینه تحقیقات علمی فعالیت می‌کنند بر این باورند که تبدیل تحقیقات وابسته رژیم طاغوت به پژوهش‌هایی ساده و خودجوش یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

رژیم گذشته برای جلوگیری از برملاشدن حقایق مسایل و تنگناهای جامعه ما از انجام تحقیقات درست جلوگیری می‌نمود. و اگر هم به ظاهر تحقیقاتی انجام می‌داد، صرفاً جنبه تشریفاتی و تبلیغاتی داشت و کمتر به مسایل ریشه‌ای و راه درمان آنها می‌پرداخت.

نمونه بارز این فعالیت‌های نمایشی را در کنفرانسهای رامسر می‌توان جستجو کرد.

اینک که به اهداف ترسیم شده از قبل می‌نگریم، درمی‌یابیم طرحها و تدابیری که بر اساس الگوهای غربی برای کشور ما تهیه شده بود، نه تنها راه‌گشا نبوده، بلکه مشکلات خاصی را نیز به بار آورده است.

یکی از مشکلات جدیدی که ایجاد شده، دور شدن نوجوانان و جوانان از واقعیات اجتماعی و گرایش به مدرک‌گرایی و علاقه به کارهای اداری است که کم و بیش هنوز هم شاهد و ناظر آن هستیم.

در این راه اگر سعی کنیم ارزشهای پوچ و واهی گذشته را با ارزشهای اصیل و واقعی اسلامی جایگزین نمائیم، دگرگونی فرهنگی و ارزشی لازم را در ذهن و فکر جوانان خود ایجاد خواهیم کرد تا علم را با عمل توأم نموده و به جای پشت‌میزنشینی فعالیت در کارهای تولیدی را فراگیرند، و در امور فنی و صنعتی برای خودکفایی مسیهن اسلامی فعالیت کنند. اما جایگزین نمودن این ارزش نیاز به یک دگرگونی برنامه‌ریزی آموزشی به ویژه در آموزش متوسطه دارد. در حال حاضر به علت تراکم تعداد زیادی از دانش‌آموزان در رشته‌های نظری به ویژه در رشته اقتصاد اجتماعی که عمده مطالب آن نظری است، و کمتر با نیازها و واقعیات زندگی جامعه ما ارتباط دارد، بر آن شدیم تا علل تورّم در این رشته را به اطلاع مسئولان آموزش و پرورش برسانیم. باشد تا با برنامه‌ریزیهای صحیح و اصولی، از هدر رفتن نیروهای انسانی بالقوه جلوگیری نماییم.

۱ - مراحل تحقیق

الف - تعریف موضوع - در حال حاضر یکی از رشته‌های تحصیلی در مقطع آموزش متوسطه اقتصاد اجتماعی است که با سه رشته دیگر مقطع آموزش متوسطه نظری (علوم تجربی، ریاضی فیزیک و فرهنگ و ادب) نوجوانان و جوانان بیشماری را به خود

جذب نموده است.

این ۴ رشته از سال ۱۳۵۳ طبق نظام جدیدی در آموزش و پرورش مین ما به اجرا درآمد. و اینک صدها هزار نوجوان ایرانی در رشته‌های مذکور (در سال گذشته بیش از نهصد هزار نفر) مشغول تحصیل هستند.

دروسی که در این رشته (اقتصاد اجتماعی) تدریس میشود عبارتند از: ۱- فلسفه ۲- منطق ۳- تاریخ ۴- جغرافیا ۵- ادبیات فارسی ۶- نگارش ۷- دانش اجتماعی ۸- جامعه‌شناسی ۹- بینش دینی ۱۰- اقتصاد اسلامی ۱۱- رشد و توسعه اقتصادی ۱۲- زبان انگلیسی (سال چهارم اقتصاد اجتماعی).

این درسها در طی ۵ سال گذشته غالباً دستخوش دگرگونی و تغییر محتوایی بوده و حتی در بعضی از سالهای تحصیلی کتاب سال گذشته کلاً تغییر کرده و کتاب جدیدی جانشین مطالب سال گذشته گردیده است.

ب- علت انتخاب این تحقیق: از تعداد کل شرکت کنندگان سال چهارم متوسطه در امتحانات خرداد ۱۳۶۲ استان اصفهان، بیش از نیمی از آنها متعلق به رشته اقتصاد اجتماعی بوده‌اند.

به عبارت دیگر از تعداد ۱۲۹۲۶ نفر دانش‌آموز سال چهارم ۶۷۶۹ نفر یعنی ۵۲ درصد آنها در رشته اقتصاد، و ۸۹۴ نفر یا ۷ درصد در رشته فرهنگ و ادب، و ۴۳۸۲ نفر یعنی ۳۴ درصد در رشته علوم تجربی، و ۸۸۱ نفر در رشته ریاضی شرکت کرده‌اند. تعداد بیش از حد نوجوانان ما در رشته‌ای که در آموزش عالی کمتر جذب می‌شود و برای بازار کار نیز آمادگی و آموزش لازم را ارائه نمی‌دهد، هر فرد دلسوز به مسائل تعلیم و تربیت را وادار به تفکر و تعمق در این زمینه خواهد نمود، که برای آینده این همه نوجوان حاضر در رشته اقتصاد چاره‌ای بیندیشند تا بتوانند در آینده جذب بازار کار شوند، و یادر رشته دلخواه خود ادامه تحصیل دهند. بعضی تصور می‌کنند نوجوانان به میل خود این رشته‌ها را انتخاب نموده‌اند، در صورتی که اگر به آینده بیندیشیم، باید بدانیم خودکفایی صنعتی، علمی و کشاورزی به همت و کوشش نوجوانانی وابسته است که در ارتباط با رشته‌های علمی و فنی باشند، گرچه درصدد رد یا انکار رشته‌های انسانی به کلی نیستیم ولی جذب معقول آنرا توصیه می‌کنیم.

ج- پیشفرضها و ارائه مسایل: علل گرایش بیش از اندازه دانش‌آموزان به رشته اقتصاد اجتماعی:

۱- عدم وجود مرکزی برای هماهنگی و توزیع صحیح دانش‌آموزان و عدم استفاده از افراد آگاه به مسایل تعلیم و تربیت و آشنا به وسایل و نیازهای جامعه؛ ۲- عدم آگاهی

کافی نوجوانان و دانش‌آموزان از نیازهای جامعه انقلابی و اسلامی؛ ۳ - اهمیت دادن به نمره دانش‌آموز و عدم توجه به استعداد، انگیزه و علاقه وی؛ ۴ - ضعف علمی و روش تدریس بعضی از دبیران در دروس ریاضی، تجربی، و حرفه و فن؛ ۵ - عدم شناخت نسبت به رشته‌های هنرستانی و کمبود آنها در بسیاری از مناطق؛ ۶ - نگذراندن دوره‌های بازآموزی دبیران دوره راهنمایی تحصیلی، و عدم آگاهی بعضی از آنها نسبت به مسایل و نیازهای جامعه که باعث ناتوانی آنها در هدایت صحیح دانش‌آموزان راهنمایی تحصیلی بوده است؛ ۷ - به نظر می‌رسد محتوای رشته اقتصاد نسبت به رشته مشابه خود یعنی فرهنگ و ادب در حد پایین‌تری قرار دارد، و دانش‌آموز برای دستیابی آسانتر به مدرک دیپلم به رشته‌ای که غالب دوستان وی گرایش داشته‌اند، کشیده شده است؛ ۸ - عدم کسب ضوابط سایر رشته‌ها؛ ۹ - هماهنگ نبودن محتوای مواد درسی با نیازهای واقعی جامعه در این رشته.

د - روش تحقیق: تعریف روش: روش، استدلالی است که به کمک آن ما افکار خود را به نحو صحیح و برای شناخت حقیقت و برکناری از خطا، به کار می‌بریم. در روش تحقیق معمولاً انتخاب روش را با توجه به موضوع تحقیق در نظر می‌گیرند. برای این تحقیق، روش پرسشنامه‌ای در نظر گرفته شده است، چون نسبت به سایر روشها مفیدتر به نظر می‌رسد.

پرسش در هر مورد میتواند متوجه شخص محقق یا محققین باشد و سپس برای چرایی و چگونگی پدیده‌های اجتماعی به کار می‌رود.

علت انتخاب این روش، هزینه کم آن در تحقیق بوده است، و به نیروی انسانی زیاد نیز احتیاج ندارد. همچنین از همه پرسش‌شوندگان به طور یکسان سؤال خواهد شد، و در حد وسیعی این کار را می‌توان انجام داد. ما کلیه دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستانهای نواحی پنجگانه اصفهان را (حدود ۷۰ دبیرستان) مورد پرسش قرار دادیم. در این روش نیز استخراج جوابها با توجه به سؤالیهای باز و بسته از سهولت بیشتری برخوردار است. دانش‌آموزان را به روش نمونه‌برداری تصادفی انتخاب نمودیم تا تحقیق به گونه‌ای طبیعی انجام پذیرد، و برای اینکه کلیه نظرات آنها را نیز در مورد تحقیق داشته باشیم طی سه سؤال باز از آنها خواستیم تا نظرات، پیشنهادات، و دروس مورد نیاز، و دروس با اهمیت‌تر خود را بیان کنند.

ه - موانع و مشکلات تحقیق: برای انجام چنین تحقیقاتی معمولاً نیروی انسانی کافی باید در اختیار داشت تا بتوان به نحو احسن در برگزاری، جمع‌آوری، و تحلیل داده‌های تحقیق عمل کرد.

پیش‌بینی می‌شد که دانش‌آموزان سال چهارم رشته اقتصاد اجتماعی شهر اصفهان بیش از ۱۸۰۰ نفر باشند که $\frac{1}{4}$ آنها برای تحقیق انتخاب شدند. از این رو به همین تعداد پرسشنامه تهیه و در اختیار نواحی قرار گرفت تا تحقیق در روز معین (۱۳۶۲/۹/۲۶) و در ساعت معین (۱۰ صبح) در کلیه دبیرستانها صورت گیرد. این کار به نحو احسن انجام گرفت، ولی آن‌گونه که پیش‌بینی شده بود در کلیه نواحی، با توجه به نمونه‌برداری، پرسشنامه به درستی توزیع نشد، به همین دلیل از کل پرسشنامه‌های ارسالی ۴۵۶ برگ جمع‌آوری شد، و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۲ - سؤالات پرسشنامه و تحلیل داده‌های آن

سؤال ۱: به چه علت رشته علوم انسانی را انتخاب نمودید؟

الف - به توصیه دبیران مدرسه راهنمایی ب - به توصیه والدین ج - عدم کسب ضوابط سایر رشته‌ها د - علاقه‌ای که به این رشته داشتم. در پاسخ به سؤال فوق ۸ درصد به توصیه دبیران خود رشته اقتصاد را انتخاب نموده‌اند، و ۴ درصد معتقد بودند که والدین آنها چنین توصیه‌ای نموده‌اند، و ۴۸ درصد دانش‌آموزان به علت عدم کسب ضوابط سایر رشته‌ها در این رشته تحصیل می‌کنند، و ۲۸ درصد نیز معتقد بودند که با توجه به علاقه‌ای که به این رشته داشته‌اند، مشغول تحصیل در آن هستند. ضمناً ۱۲ درصد از دادن پاسخ خودداری کرده‌اند. یکی از فرضیات تحقیق، عدم آگاهی هدایت‌کنندگان بود که در اینجا درصد آن جمعاً به ۱۲ درصد (جمع درصد توصیه والدین و دبیران) می‌رسد. پیشفرض عدم کسب ضوابط نیز با درصد بالایی تأیید می‌شود.

سؤال ۲: نحوه تدریس کدامیک از دروس زیر در دوره راهنمایی ضعیف بوده است؟

الف - ریاضی ب - علوم تجربی ج - حرفه و فن د - هیچکدام.
۳۲ درصد دانش‌آموزان معتقد بودند که نحوه تدریس ریاضی ضعیف بوده است، و ۱۸ درصد آنها معتقد بودند که نحوه تدریس علوم تجربی ضعیف بوده است، و ۲۱ درصد نیز نحوه تدریس حرفه و فن را ضعیف دانسته‌اند، و ۲۲ درصد نیز معتقد بودند که نحوه تدریس هیچیک از دروس ریاضی، تجربی، و حرفه و فن مناسب نبوده است. ۷ درصد نیز از دادن پاسخ به این سؤال خودداری نموده‌اند.

نحوه پاسخ به سؤال دوم، پیشفرض چهارم را تأیید می‌کند. بنابراین باید برای روش بهتر تدریس در دوره راهنمایی چاره‌اندیشی کرد، و با کلاسهای بازآموزی، کارآیی دبیران این دوره را افزایش داد.

سؤال ۳: در سال اول دبیرستان کدام دسته از دروس زیر برای شما مشکل بوده است؟

الف - ریاضی ب - علوم تجربی ج - علوم انسانی د - هیچکدام.
به نظر ۴۲ درصد دانش‌آموزان در دروس سال اول، ریاضی از همه درسها مشکل‌تر بوده است، و برای ۱۱ درصد از آنها این مشکل در دروس تجربی وجود داشته است، و فقط ۵ درصد معتقد بودند که دروس علوم انسانی مشکل بوده، و برای ۳۸ درصد آنها نیز هیچکدام از دروس سال اول دبیرستان مشکل نبوده است. ۴ درصد نیز از دادن پاسخ به این سؤال خودداری نموده‌اند.

به نظر می‌رسد اگر ۳۸ درصدی که هیچیک از دروس برای آنها مشکل نبوده است به رشته مورد علاقه و مورد نیاز جامعه هدایت می‌شدند، تورم در این رشته به وجود نمی‌آمد. باتوجه به سؤال یک، این موضوع را بهتر می‌توان تحلیل کرد.

سؤال ۴: تصور می‌کنید پس از پایان تحصیلات متوسطه، دانش‌آموزان کدامیک از رشته‌های زیر زودتر جذب بازار کار می‌شوند؟

الف - دانش‌آموزان رشته‌های فنی ب - رشته‌های تجربی ج - رشته‌های ریاضی د - رشته‌های علوم انسانی.

عده کثیری از آنها (۷۹ درصد) معتقد بودند که دانش‌آموزان رشته‌های فنی زودتر جذب بازار کار می‌شوند، و ۵ درصد این نظر را برای رشته‌های تجربی داشتند، و ۷ درصد نیز برای رشته ریاضی، و ۶ درصد برای رشته علوم انسانی در جذب به بازار کار اولویت قابل شده‌اند.

رقم ۷۹ درصد در اولویت قابل بودن برای رشته‌های فنی، نشانه تغییر ارزشها در نزد دانش‌آموزان و تأییدکننده پیشفرض شماره ۱ این تحقیق است.

سؤال ۵: آیا فکر می‌کنید در حال حاضر جامعه انقلابی ما به چه رشته‌هایی بیشتر نیازمند است؟

الف - علوم انسانی ب - فنی ج - علوم تجربی د - همه اینها.
تنها ۲ درصد معتقد بودند که رشته انسانی مورد نیاز جامعه ماست، و ۳۲ درصد برای رشته فنی، ۱۰ درصد برای رشته تجربی، و ۵۴ درصد برای همه این رشته‌ها اولویت قایل بوده‌اند. کم‌ارزش بودن رشته‌ای که دانش‌آموزان در آن تحصیل می‌کنند، نشانه دیگری بر تأیید پیشفرضهای ما (شماره ۱) است، و نشان اهمیت مسایل فنی در نزد جوانان است، بنابراین باید برای برنامه‌ریزی این قبیل مسایل چاره‌اندیشی شود.

سؤال ۶: برای رسیدن به خودکفایی علمی و صنعتی چه مدارسی برای جامعه ما

اولویت دارد؟

الف - دبیرستانهای نظری ب - هنرستانهای صنعتی ج - مدارس خدمات د - همه اینها.

باور دانش آموزان رشته اقتصاد بر این است که مدارس صنعتی در اولویت بیشتری قرار دارند؛ به طوری که فقط ۲ درصد آنها معتقد بودند که دبیرستانهای نظری برای جامعه ما اولویت دارند، یعنی از ۴۵۶ نفر فقط ۸ نفر، و ۵۴ درصد آنها هنرستانهای صنعتی را برای رسیدن به خودکفایی صنعتی در اولویت می‌دانند. باید بر این باور ارج نهاد و جهت هدایت را به سمتی قرار داد که جوان و جامعه به دنبال آن است. ۲ درصد دانش آموزان نیز مدارس خدمات را برای رسیدن به خودکفایی علمی و صنعتی در اولویت قرار داده‌اند، و ۳۹ درصد نیز برای همه اینها اولویت قایلند. همچنین، ۳ درصد از دادن جواب خودداری کرده‌اند.

باید دانست تنها تأسیس دبیرستان مشکلی را برای جامعه ما حل نخواهد کرد، و باید علم و عمل همراه یکدیگر به جوانان آموخت تا در آینده و در ساخت جامعه انقلابی نقش آنان بیشتر باشد.

سؤال ۷: به نظر شما برای انتخاب رشته تحصیلی در پایان دوره راهنمایی به چه مسائلی بیشتر باید اهمیت داد؟

الف - علاقه دانش آموز بدون در نظر گرفتن نمرات او ب - علاقه دانش آموز با توجه به نمرات وی ج - علاقه والدین برای انتخاب رشته فرزندشان د - فقط نمرات دانش آموز برای تعیین رشته در نظر گرفته شود.

۵۲ درصد دانش آموزان معتقد بودند که علاقه دانش آموزان را بدون ارتباط با نمرات آنها در نظر بگیرند، و ۴۵ درصد نیز اعتقاد داشتند که باید علاقه دانش آموزان را همراه با توجه به نمرات کسب کرده در دروسشان در نظر داشت، و آنها را راهنمایی نمود.

همچنین یک درصد آنها علاقه والدین و فقط یک درصد، نیز به در نظر گرفتن نمرات دانش آموزان برای انتخاب رشته اعتقاد داشتند. یک درصد نیز از دادن پاسخ به این سؤال خودداری نموده‌اند.

گرچه علاقه بدون در نظر گرفتن نمرات را شاید بتوان برای هدایت دانش آموزان در نظر داشت، ولی نوجوانان در این سنین گرایش خود را در اولویت قرار داده‌اند. خوشبختانه ۴۵ درصد آنها نیز توجه به علاقه و نمرات را مورد نظر داشته‌اند.

سؤال ۸: به نظر شما انتخاب رشته تحصیلی در پایان سال سوم راهنمایی کار صحیحی است؟

الف - بلی ب - خیر ج - در سال اول دبیرستان مناسب‌تر است د - نمیدانم.
از پاسخهای رسیده ۳۲ درصد آنها معتقد بودند که در پایان سال سوم راهنمایی
انتخاب رشته، کار درستی است. و ۱۷ درصد نیز معتقد بودند که انتخاب رشته در پایان
سال سوم کار صحیحی نیست. ۳۴ درصد دانش‌آموزان نیز معتقد بودند برای انتخاب رشته،
سال اول دبیرستان مناسب‌تر است. ۱۵ درصد نیز میدانسته‌اند که آیا انتخاب رشته در
پایان سال سوم راهنمایی کار درستی بوده است یا خیر. ۲ درصد نیز از دادن پاسخ
خودداری نموده‌اند.

بنابراین در صورتی که بتوان سال اول دبیرستان و همچنین هنرستان را عمومی کرد،
به نظر می‌رسد شناخت دانش‌آموزان نسبت به رشته تحصیلی خود بیشتر شود.
سؤال ۹: آیا تصور می‌کنید دروس رشته اقتصاد برای اخذ دیپلم از محتوای
غنی برخوردار است؟

الف - بلی ب - خیر ج - نسبت به سایر رشته‌ها در حد پایین است د - نسبت به
سایر رشته‌ها سطح بالاتری دارد.

۲۲ درصد دانش‌آموزان معتقدند که رشته تحصیلی آنها از محتوای غنی برخوردار
است. ۳۱ درصد آنها معتقدند محتوای درسی آنها آنچنان قوی نیست که آنها را راضی کند.
۳۴ درصد نیز رشته تحصیلی خود را نسبت به سایر رشته‌ها در حد پایین‌تری می‌دانند، و
فقط ۱۰ درصد از کل آنها معتقد به بالاتر بودن سطح رشته تحصیلی خود نسبت به سایر
رشته‌ها هستند. ۳ درصد به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

سؤال ۱۰: آیا تاکنون مقایسه‌ای بین دروس رشته فرهنگ و ادب و اقتصاد
نموده‌اید تا بدانید کدامیک از محتوای بیشتری برخوردارند؟

الف - رشته فرهنگ و ادب ب - رشته اقتصاد اجتماعی ج - هر دو بطور مساوی
د - نمیدانم.

با توجه به اینکه تعدادی از دروس دو رشته اقتصاد اجتماعی و فرهنگ و ادب باهم
مشترکند، ۱۰ درصد دانش‌آموزان رشته فرهنگ و ادب را دارای محتوای بیشتری می‌دانند،
و ۲۷ درصد آنها نیز رشته اقتصاد اجتماعی را غنی‌تر دانسته‌اند. ۱۱ درصد هر دو رشته را
از نظر محتوای دروس مساوی یکدیگر می‌دانند، و ۴۸ درصد آنها پاسخ این سؤال را
نمی‌دانسته‌اند. ۴ درصد نیز از دادن پاسخ خودداری کرده‌اند.

مقایسه دو رشته باهم گرچه از نظر دانش‌آموزان غیرممکن است، ولی برای
کارشناسان نظرات آنها می‌تواند روشنگر باشد.

سؤال ۱۱: برای جذب شدن به بازار کار، دانش‌آموزان در پایان تحصیلات

متوسطه چه اطلاعاتی باید داشته باشند؟

الف - اطلاعات علمی و نظری ب - اطلاعات فنی ج - اطلاعات کلی پیرامون مسائل جامعه د - نمیدانم.

آگاهی از مسائل اجتماعی و نیازهای جامعه به دانش‌آموزان این امکان را خواهد داد تا خود را برای مشاغل آن جامعه آماده سازند. ۱۶ درصد دانش‌آموزان معتقد بودند که برای جذب شدن به بازار کار باید اطلاعات علمی و نظری داشته باشند.

۴۱ درصد دانش‌آموزان اطلاعات فنی برای جذب به بازار کار را مورد نیاز می‌دانند. ۳۵ درصد به داشتن اطلاعات کلی پیرامون مسائل جامعه اعتقاد داشته‌اند. ۶ درصد از دانش‌آموزان نیز نمی‌دانسته‌اند که برای جذب بازار کار شدن چه اطلاعاتی باید داشته باشند. ۲ درصد از دادن جواب خودداری نموده‌اند.

سؤال ۱۲: آیا تاکنون برای یادگیری کارهای فنی جهت جذب بازار کار در ایام تابستان به کارآموزی پرداخته‌اید؟

الف - بلی ب - خیر ج - احتیاجی به گذراندن دوره ندیده‌ام د - هرگز به این فکر نبوده‌ام.

در پاسخ به سؤال فوق ۶۰ درصد دانش‌آموزان جواب داده‌اند که در ایام تابستان دوره کارآموزی فنی دیده‌اند. ۲۸ درصد آنها دوره کارآموزی فنی برای جذب به بازار کار را نگذرانده‌اند، و فقط ۳ درصد اشاره نموده‌اند که احتیاجی به گذراندن دوره ندارند. ۷ درصد دانش‌آموزان نیز هرگز به این فکر که برای جذب بازار کار شدن دوره‌ای بگذرانند، نبوده‌اند. ۲ درصد از پاسخ‌دهندگان به این سؤال جواب نداده‌اند.

سؤال ۱۳: برای آینده خود چه مشاغلی را در نظر گرفته‌اید؟

الف - کارهای اداری ب - کارهای فنی ج - مشاغل آزاد د - هنوز تصمیمی نگرفته‌ام.

آینده‌نگری در نزد جوانان چنانچه صحیح هدایت شده باشند هم برای آنها و هم برای جامعه بسیار مفید خواهد بود. ۱۸ درصد دانش‌آموزان شغل اداری را برای آینده خود در نظر گرفته‌اند. ۱۹ درصد آنها علاقه بکارهای فنی دارند. ۴۰ درصد از دانش‌آموزان با اینکه سال آخر دوره دبیرستان را می‌گذرانند، برای آینده خود هنوز تصمیمی نگرفته بودند. ۴ درصد از دانش‌آموزان به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

سؤال ۱۴: اگر ضوابط سایر رشته‌های تحصیلی را کسب نموده بودید، تمایل داشتید در چه رشته‌ای تحصیل کنید؟

الف - رشته فنی ب - رشته تجربی ج - رشته ریاضی د - رشته‌ای که فعلاً در آن

تحصیل می‌کنم.

۴۶ درصد از دانش‌آموزان معتقد بودند اگر ضوابط رشته فنی را کسب کرده بودند، در آن رشته تحصیل می‌کردند. ۲۰ درصد آنها در صورت کسب ضوابط، تمایل به رشته تجربی داشته‌اند. ۱۰ درصد به رشته ریاضی علاقه نشان داده‌اند، و ۲۱ درصد از دانش‌آموزان رشته اقتصاد معتقد بودند که به رشته فعلی خود تمایل دارند. در مجموع ۷۶ درصد به سایر رشته‌ها علاقه نشان داده‌اند، و این نشانه آن است که برای تعیین رشته‌ها در پایان سال سوم راهنمایی باید دقت بیشتری به عمل آید.

سؤال ۱۵: آیا تصور می‌کنید برای جذب بازار کار شدن، پس از پایان تحصیلات متوسطه مدتی را باید به کارآموزی پرداخت؟

الف - بلی ب - خیر ج - بسیار ضروری است د - ضرورتی ندارد.

۵۶ درصد از دانش‌آموزان معتقد بودند که برای جذب بازار کار شدن باید دوره کارآموزی ببینند. تنها ۲ درصد آنها معتقد بودند که نیازی برای دوره کارآموزی دیدن، ندارند. ۳۴ درصد از دانش‌آموزان دوره کارآموزی را برای جذب بازار کار شدن بسیار ضروری می‌دانند، و ۶ درصد از آنها نیز ضرورتی برای گذراندن دوره کارآموزی جهت جذب به بازار کار نمی‌بینند. ۲ درصد از دانش‌آموزان به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

سؤال ۱۶: مطالب (محتوای) کتابهای رشته تحصیلی شما تا چه حد به واقعیت‌های جامعه نزدیک است؟

الف - خیلی زیاد ب - زیاد ج - متوسط د - کم.

نزدیکی محتوای کتابهای درسی و نیازهای جامعه سبب خواهد شد که دانش‌آموزان در مطالعه و بحث پیرامون آنها کوشش بیشتری به عمل آورند. ۹ درصد از دانش‌آموزان در پاسخ به این سؤال معتقد بودند که محتوای کتابهای درسی آنها با نیازهای جامعه خیلی زیاد بهم نزدیک است. ۲۰ درصد از آنها نیز معتقد بودند که ارتباط زیادی بین نیازهای جامعه و کتابهای آنها وجود دارد. ۴۰ درصد از دانش‌آموزان ارتباط کتب درسی خود با جامعه را متوسط، و ۲۸ درصد نیز چنین ارتباطی را کم می‌دانند. ۳ درصد از دانش‌آموزان به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

سؤال ۱۷: کدامیک از دروس چهار ساله خود را به ترتیب در اولویت بیشتری قرار می‌دهید (لطفاً بنویسید)؟

پاسخهای رسیده از دانش‌آموزان سال چهارم اقتصاد برای اولویت دروس به ترتیب زیر است: از بین کلیه دروس نوشته شده ۵ درس که بیشترین درصد را دارا بودند، عبارتند از: ۱ - اقتصاد ۲۹ درصد، ۲ - جامعه‌شناسی ۲۱ درصد، ۳ - آمار ۱۸ درصد، ۴ - زبان

۱۶ درصد، و ۵- تاریخ ۱۶ درصد. سایر دروس خود را از نظر اهمیت به این ترتیب قرار داده بودند: جغرافی، بینش دینی، روانشناسی، ادبیات، دانش اجتماعی، ریاضی، منطق، عربی. به نظر می‌رسد مؤلفین محترم در صورت توجه به علاقه دانش‌آموزان، در محتوای بعضی کتب باید تجدیدنظر کنند.

سؤال ۱۸: به جز دروسی که در دوره چهار ساله آموزش متوسطه خوانده‌اید، چه دروس دیگری را برای خود ضروری می‌دانید که باید به رشته شما افزوده شود؟
دروسی که مورد نظر دانش‌آموزان بوده است به ترتیب عبارتند از:

الف - فنی ۳۹ درصد ب - ریاضی ۳۰ درصد ج - زیست‌شناسی ۱۳ درصد
د - عربی ۱۱ درصد ه - فیزیک ۷ درصد. سایر دروس مورد علاقه دانش‌آموزان بترتیب عبارت بود از: بهداشت، معارف اسلامی، شیمی، روانشناسی، آمار.
بنظر می‌رسد دانش‌آموزان اهمیت دروس فنی، ریاضی، زیست‌شناسی، عربی، و فیزیک را دریافته‌اند که آنها را در مرحله اول قرار داده‌اند. بنابراین کارشناسان برنامه‌ریزان باید به این علاقه و گرایش جوانان پاسخ مثبت دهند.

سؤال ۱۹: آیا فکر می‌کنید طرح کاد بتواند تغییر مؤثری در آموزش متوسطه ایجاد کند؟

الف - بسیار زیاد ب - زیاد ج - متوسط د - کم.
طرح کاد که از سال تحصیلی ۶۲-۶۱ به مرحله اجرا درآمد، در سال اول در استان اصفهان ۷۴۰۰ نفر، و در سال دوم در مجموع ۱۶۲۰۰ نفر را (از کلاسهای اول و دوم) زیر پوشش خود قرار داد. این رقم در کل کشور به سیصد هزار نفر رسید. در این زمینه کسانی که از طرح به دورند نظرشان جالب خواهد بود. ۴۷ درصد دانش‌آموزان معتقد بودند که طرح کاد اثر بسیار زیادی در آموزش متوسطه خواهد داشت. ۲۱ درصد اثر آنرا زیاد، و ۲۳ درصد متوسط، و ۸ درصد کم دانسته‌اند، و به‌همرفته عده بیشماری نظر مثبت داشته‌اند. یک درصد از پاسخ دهندگان به این سؤال جواب نداده‌اند.

سؤال ۲۰: برای بهتر شدن کیفیت نظام آموزش و پرورش چه پیشنهادهاتی دارید که بتواند تغییرات اساسی و بنیادی در آموزش متوسطه بوجود آورد؟ خلاصه نظرات رسیده چنین است:

۱ - کتابهای دبیرستانی را با استعداد دانش‌آموزان هماهنگ نمایند تا میزان یادگیری بیشتر شود.

۲ - دروس را به دورشته ریاضی و غیر ریاضی تقسیم کنند تا علاقمندان به ریاضی در رشته خود و سایرین نیز در رشته‌های مورد نیاز جامعه ادامه تحصیل دهند.

- ۳- برای انتخاب رشته باید به دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی آگاهیهای لازم ارائه شود تا با شناخت بهتر اقدام به انتخاب رشته تحصیلی نمایند.
- ۴- در رشته اقتصاد اجتماعی به جز درس آمار و انگلیسی، بقیه دروس حفظی است، و به راحتی می‌توان آنها را در خارج از کلاس نیز مطالعه نمود. لازم است محتوای آنها را غنی‌تر سازند تا محصل در کلاس خسته نشود، و کلاسها کسل‌کننده نباشد.
- ۵- اگر برای رشته اقتصاد نیز ضوابط مشخصی همانند سایر رشته‌ها تعیین می‌کردند، مشکلات انضباطی فعلی کمتر مشاهده می‌شد.
- ۶- گسترش هنرستانهای فنی از مسائل مورد نیاز جامعه است.
- ۷- آموزش پسران و دختران را مطابق با نیازهای فردای آنها ارائه کنند.
- ۸- گردش علمی برای یادگیری مطالب مفید است.
- ۹- کمبود کتاب از مشکلات آموزشی ما بوده است.
- ۱۰- انتخاب رشته در سال اول دبیرستان مناسب‌تر است.
- ۱۱- از وجود دبیران مجرب و آگاه در سال سوم راهنمایی بیشتر استفاده شود.
- ۱۲- گسترش طرح کاد در سایر کلاسها مفید است.
- ۱۳- برای راهنمایی دانش‌آموزان از معلمینی که اطلاعات تعلیم و تربیت دارند استفاده شود.

۳- خلاصه و نتیجه‌گیری

الف- خلاصه نظریات: علت انتخاب رشته اقتصاد را ۴۸ درصد از دانش‌آموزان عدم کسب ضوابط در سایر رشته‌ها دانسته‌اند، و تنها ۲۸ درصد از دانش‌آموزان اقتصاد معتقد بودند که با توجه به علاقه‌ای که به این رشته داشته‌اند رشته اقتصاد را انتخاب نموده‌اند. ۸ درصد به توصیه دبیران و ۴ درصد به توصیه والدین رشته اقتصاد را انتخاب کرده‌اند. در مورد نحوه تدریس دروس راهنمایی ۳۲ درصد دانش‌آموزان اقتصاد نحوه تدریس ریاضی را ضعیف دانسته‌اند، و ۱۸ درصد این نظر را در باره علوم تجربی و ۲۱ درصد در باره حرفه و فن داشته‌اند.

در پاسخ به سؤال سوم که کدامیک از دروس سال اول دبیرستان برای شما مشکل است، بیشترین آنها (۴۲ درصد) ریاضی، عده کمتری تجربی را (۱۱ درصد) برای خود مشکل دانسته‌اند. ۳۸ درصد نیز هیچیک از دروس برایشان مشکل نبوده است. ۷۹ درصد دانش‌آموزان سال چهارم اقتصاد معتقد بودند که دانش‌آموزان رشته‌های فنی زودتر جذب بازار کار می‌شوند. رقم ۷۹ درصد نشانه ارزش و گرایش رشته‌های فنی نزد جوانان میهن

اسلامی است.

در مورد اینکه چه رشته‌ای برای جامعه انقلابی ما بیشتر مورد نیاز است ۳۲ درصد برای رشته فنی و ۵۴ درصد برای رشته‌های فنی، انسانی، و تجربی اهمیت قایل شده‌اند. در مورد اولویت برای مدارس موجود نیز ۵۴ درصد آنها هنرستانها را دارای اولویت دانسته‌اند که نشانه اهمیت بیش از حد رشته‌های فنی در نزد آنهاست.

دانش‌آموزان سال چهارم معتقد بودند که در تعیین رشته تحصیلی هم به نمرات و هم به علاقه دانش‌آموزان باید توجه نمود. ۵۲ درصد آنها خواستار در نظر گرفتن علاقه دانش‌آموزان بدون ارتباط با نمرات آنها بودند، و ۴۵ درصد در نظر گرفتن علاقه را همراه با توجه نمرات دانش‌آموزان خواستارند.

در مورد اینکه چه موقعی برای انتخاب رشته مناسب‌تر است، ۳۴ درصد دانش‌آموزان سال اول دبیرستان و ۳۲ درصد سال سوم راهنمایی را زمان مناسب برای انتخاب رشته می‌دانند. ۱۷ درصد نیز مخالف انتخاب رشته در پایان سال سوم راهنمایی بوده‌اند. ۲۲ درصد از آنها اعتقاد به غنی بودن رشته اقتصاد نسبت به سایر رشته‌ها دارند، و ۳۴ درصد از دانش‌آموزان نیز معتقدند که محتوای رشته تحصیلی آنها نسبت به سایر رشته‌ها در حد پایین‌تری است. ۳۱ درصد نیز از محتوای رشته خود راضی نیستند. در مورد مقایسه رشته اقتصاد و فرهنگ و ادب، ۱۰ درصد رشته فرهنگ و ادب را غنی‌تر دانسته‌اند، و ۴۸ درصد آنها نمی‌دانسته‌اند کدام رشته غنی‌تر است. ۲۷ درصد آنها نیز رشته اقتصاد را برتر می‌دانند. ۴۱ درصد از دانش‌آموزان معتقد بودند که برای جذب به بازار کار باید اطلاعات فنی داشت، و ۳۵ درصد آنها اطلاعات کلی پیرامون مسائل جامعه را برای جذب به بازار کار مفید دانسته‌اند. ۶۰ درصد دانش‌آموزان در ایام تابستان برای جذب بازار کار شدن دوره کارآموزی دیده‌اند، ۲۸ درصد آنها نیز دوره‌ای نگذرانده‌اند. سه درصد آنها معتقد بودند که نیازی بدیدن دوره ندارند. ۴۰ درصد دانش‌آموزان سال چهارم تاکنون برای آینده خود تصمیمی نگرفته‌اند که چه شغلی انتخاب کنند. ۱۸ درصد آنها شغل اداری، و ۱۹ درصد نیز کارهای فنی را در نظر گرفته بودند. ۴۶ درصد از دانش‌آموزان معتقد بودند که اگر ضوابط سایر رشته‌ها را کسب کرده بودند، مایل به تحصیل در رشته فنی بودند، و تنها ۲۱ درصد از آنها به رشته اقتصاد علاقه نشان داده‌اند.

اکثر دانش‌آموزان رشته اقتصاد (۵۶ درصد) معتقد بودند که برای جذب بازار کار شدن باید دوره کارآموزی گذرانند. و ۳۴ درصد از آنها نیز گذراندن کارآموزی را بسیار ضروری دانسته‌اند. رویهم‌رفته ۹۰ درصد از آنها لزوم گذراندن دوره را تأکید کرده‌اند. در مورد نزدیک بودن محتوای کتابها با واقعیات جامعه، تنها ۹ درصد نظر مثبت داشتند، و ۶۸

درصد ارتباط محتوای کتابها با نیازهای جامعه را متوسط و کم دانسته‌اند. دانش‌آموزان سال چهارم اقتصاد اهمیت دروس خود را به این ترتیب ذکر کرده بودند: اقتصاد، جامعه‌شناسی، آمار، زبان، تاریخ، جغرافی، بیسنش دینی، روانشناسی، ادبیات، دانش اجتماعی، ریاضی، منطق و عربی. همچنین آنها معتقد بودند که علاوه بر دروس فعلی، باید برای آنها دروس فنی، ریاضی، زیست‌شناسی، و فیزیک نیز گذاشته شود. در باره طرح کاد، رویهم‌رفته ۶۸ درصد آنها نظر مثبت داشتند، و آن را دارای اهمیت بسیار دانسته‌اند. تنها ۸ درصد از آنها اثر طرح کاد را برای تغییر اساسی آموزش و پرورش کم می‌دانند. پیشنهادات آنها عبارت است از: تعیین ضوابطی برای رشته اقتصاد، گسترش هنرستانها، ترتیب دادن گردشهای علمی، استفاده از دبیران مجرب در سال سوم راهنمایی، گسترش طرح کاد در همه کلاسها، استفاده از معلمین با اطلاع و آگاه از مسایل جامعه و تعلیم و تربیت برای راهنمایی، و آموزش دادن به پسران و دختران بر اساس نیازهای آینده آنها.

ب - نتیجه‌گیری: نتایج مندرج در تحقیق، نشانگر آن است که:

۱ - عدم کسب ضوابط سایر رشته‌ها برای دانش‌آموزان اقتصاد اجتماعی سبب تحصیل در این رشته شده است که در نتیجه تورم بیش از ۵۰ درصد دانش‌آموزان آموزش متوسطه را در رشته اقتصاد پدید آورده است.

۲ - در صورتی که دانش‌آموزان در سال سوم راهنمایی آگاهی و شناخت کافی از رشته‌های تحصیلی داشتند، با علم بیشتر اقدام به انتخاب رشته تحصیلی خود می‌کردند.

۳ - در صورتی که مرکزی برای هماهنگی و توزیع صحیح دانش‌آموزان بر اساس استعداد آنها جهت هدایت و راهنمایی وجود داشته باشد، وضع فعلی که در رشته‌ای تورم و در رشته دیگری کمبود بیش از حد دانش‌آموز وجود دارد، از بین خواهد رفت و متناسب با نیازهای آینده جامعه، دانش‌آموزان را به رشته‌های تحصیلی هدایت خواهد کرد.

۴ - در نزد دانش‌آموزان، گسترش هنرستانها و توجه بیشتر به نحوه تدریس دروس سال سوم راهنمایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، و این ارزشی را که جوانان برای رشته‌های فنی قایلند نشان می‌دهد.

ج - پیشنهادها:

۱ - همان‌گونه که در بخش پیش‌فرضها یادآور شدیم، و همه آنها با تحقیق مورد تأیید قرار گرفت، لازم است مراکز و ستادهایی جهت هدایت و راهنمایی صحیح دانش‌آموزان، با بهره‌گیری از افراد آشنا به مسائل تعلیم و تربیت تشکیل شود.

۲ - در نظر گرفتن استعداد و علاقه دانش‌آموزان همراه با توجه به نمرات آنها،

می‌تواند در جهت دادن درست به استعداد های جوانان کمک مؤثری باشد، و آینده کشور را از لحاظ نیروهای کارآمد تأمین کند.

۳- برای رفع کمبود نیروی انسانی کشور، باید تعدادی از دروس نظری و حفظی حذف شود، و به جای آنها امکان گذراندن دوره‌های فنی در کارگاهها و آزمایشگاهها و کارخانجات پدید آید (خوشبختانه با اجرای طرح کاد در دبیرستانها این کار در حال حاضر صورت می‌گیرد ولی باید برای همه کلاسها ایجاد شود).

۴- با قراردادن دروسی مساندریاضی، فنی، زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی دانش‌آموزان رشته‌های انسانی را نیز با علوم تجربی و ریاضی آشنا سازند تا در آینده در صورتی که این عده به خدمت آموزش و پرورش درآمدند، برای تدریس این دروس در کلاسهای ابتدایی دچار سرگردانی نشوند.

۵- سعی کنند کتابهای رشته اقتصاد (یا تعدادی از آنها را که ضرورت بیشتری دارد) مطابق با نیازهای واقعی جامعه تألیف شود تا هم برای شاگرد و هم برای معلم کلاس کسل کننده و آموزشها تکراری و بیهوده نشود.

۶- با توجه به اینکه تنها ۲۱ درصد از دانش‌آموزان رشته اقتصاد به این رشته علاقه نشان داده‌اند، آموزشی مطابق با نیاز و استعداد و انگیزه آنان در نظر گیرند تا در آینده آنچه را یاد می‌گیرند، بتوانند به کار ببرند.

۷- برای رفع نحوه ضعیف تدریس، معلمان کلاسهای راهنمایی را در دوره‌های بازآموزی شرکت دهند تا پیوسته بر دانش خود بیفزایند.

۸- از طریق رسانه‌های گروهی اهمیت رشته‌های فنی را نشان دهند تا از گرایش به رشته اقتصاد کاسته شود.

۹- از گسترش بیش از حد کلاسهای رشته انسانی که در حال حاضر تورم‌زا است جلوگیری نمایند.

۱۰- از بین دو رشته اقتصاد و فرهنگ و ادب به نظر می‌رسد رشته فرهنگ و ادب غنی‌تر و پربارتر باشد. بنابراین تلاش شود که این رشته گسترش یابد.

و من الله التوفیق

اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان

کارشناسی آموزش متوسطه

تاریخ اجرا: آذرماه ۱۳۶۲

محل اجرا: دبیرستانهای نواحی پنجگانه اصفهان